

۸ مارچ، روز دیگری برای شناخت و عمل خشونت بر زن افغان بیانید برای نجات زن مظلوم افغانستان متحد شویم

سالی یکبار در افغانستان بروز ۸ مارچ که روز بین المللی زن است و از مقام والای زنان در جهان تجلیل و قدردانی به عمل می آید، انجمن های مربوطه و موسسات وابسته به آن به شمول موسسات خیریه بین المللی و امثالهم، با ایراد بیانیه ها و دایر نمودن کنفرانس ها از آنچه بر زن و دختر مظلوم افغان به پهنای مملکت میگذرد یاد مینمایند. این موسسات امروز هم چنان از دولت افغانستان و قوای ثلاثه آن درخواست «جدی» حمایت و پشتیبانی از حقوق زنان و بازخواست و مجازات تخلف کنندگان را در زمینه مصائبی که از جانب آنان بر زنان وارد میگردد، خواستار میگردند.



عکس از کابل پرس

میبینیم که بعد از سقوط طالبان نظر به احصایه های در دست داشته موسسات خیریه جهانی فعال در افغانستان، هر سالی که میگذرد، خشونت، ظلم و تعدی بر زن و دختر افغان افزود گردیده و دامنه خشونت به پهنای سرحدات، در افغانستان گستره تر میگردد. چقدر بگوئیم که در هرات و بعضی دیگر از ولایات مملکت زنان از جانب شوهر و فامیل وی آنقدر شکنجه میشوند که دست به چنان خودسوزی های مدهش و مرگ زا میزنند... در خوست و ولایات جنوب شرقی زنان شوهر دار از جانب شوهر در تبادل با حیوانات در حالی به زور و به عنف بفروش میرسند که اطفالشان برای ابد از آغوش مادرشان جدا میگردند... در قندز دختر ۱۱ ساله از آغوش مادر ربوده شده و بعد از شکنجه های غیر انسانی مهلك، با سگی تبادل میگردد... در مزارع کشت کوکنار، خواهر و دختر دهقان به عوض قرض وی به عمال مواد مخدره، تبادل گردیده و از حلقه خانواده ناپدید میگردند... در خانه هایی که برای نجات زنان فراری از مظلوم فامیل و شوهر تاسیس گردیده، زنان پناه گزین از جانب اولیای چنان مراکزی مورد تجاوز، لت و کوب و خشونت قرار میگیرند و وادار به اعمال غیر مشروع میگردند... هزاران طفل اناث در سرتاسر افغانستان با زور و جبر در حالات مختلفه به خانه شوهر اجباری فرستاده میشوند و زندگی مرگباری را آغاز مینمایند... در بادغیس اخیراً دیدیم که زنانی که از خشونت شوهر ترك منزل نموده بودند به حکم ملای مسجد و امر قوماندان منطقه در محضر عام به لت و کوب و شلاق سپرده شدند... و بالاخره در سرتاسر مملکت يك منطقه را سراغ نداریم که زن در آن تامین قانونی، بشری یا اسلامی داشته باشد، نه از جانب خانواده، نه از جانب اجتماع و نه از جانب قانون.

بنابراین با نا امیدی و تجربه تلخی که از روش حکومت موجوده افغانستان با پشتیبانی از مرد سالاری و حمایت از زورگویان و قدرتمندان در تقابل با حمایت قانونی، اخلاقی و انسانی از کتله محروم و مظلوم اناث مملکت در پیش گرفته است، راه دیگری به جز از يك اتحاد و مبارزه جدی و پایدار اجتماعات داخلی و مهاجرین برای رسمیت بخشیدن عملی حقوق زن از یکطرف و درخواست اجرای عدالت در مورد بازخواست و مجازات عاملین خشونت و تعدی بر زنان، از جانب دیگر، باقی نماند.

در زمینه شناخت مختصری از احوال رقت بار و تعدی خشونت های ناروای غیر انسانی بر زنان افغان درین هشت سال اخیر، علی الرغم موجودیت قوای بین المللی، مجلسین شورای ملی «مشرانو جرگه وولسی جرگه»، ستره محکمه و دستگاه قضائی و بالاخره حکومت آقای حامد کرزی، آنچه را حقیقتاً زن در افغانستان با مشقت و اجبار متحمل میگردد، لطفاً در همین صفحه تحلیلات بروی ویدیوی مستندی که به همت خانم های افغان مقیم اروپا تهیه گردیده است، کلیک بفرمائید و خود قضاوت نمائید که آیا در سرتاسر جهان زنی را مظلوم تر و بیچاره تر از زن شریف و بی دفاع افغان میتوانیید سراغ داشته باشید؟!

هموطنان بسیار ارجمند، بیانید برای پشتیبانی از تمام امکانات حقوقی و بشری ای که زن افغان قانوناً باید از آن مستفید گردد، دست به دست هم بدهیم. حقوق ناپدید گشته زن افغان پامال تمام مقررات حقوق بشر است که افغانستان در سال ۱۹۴۸ اعلامیه ارزشمند آنرا به حیث یکی از اعضای ملل متحد امضاء نموده ولی هیچ اقدامی را در زمینه تعهد بر مواد مندرجه آن به اساس مراعات حقوق بشری در مورد حمایت از زن مظلوم در مملکت در نظر نگرفته و تعدی حقوق حقه زنان را مطابق اوراق قانون اساسی افغانستان هم مری الاجرا قرار نمیدهد.

چقدر شنیده باشید که مثلاً در سمت شمال افغانستان دختر مکتبی مورد تجاوز و خشونت يك دسته از جوانان بدتر از حیوان قرار گرفت، مجرمین اعتراف نمودند ولی پدر یکی از آنان که یکی از وکیل صاحبان غیر حاضر ولسی جرگه بود از رئیس جمهور برانته آن گروه جنایتکار را «کمائی» نمود. مشاهده نمودیم که قانون احوال شخصی اهل تشیع، سیلی سختی بود که ولسی جرگه با تصویب و رئیس جمهور افغانستان در توشیح آن نه تنها زن افغان را از حقوق انسانی و افغانی وی محروم نمود، بلکه به منزله يك بام و دو هوا قانون که خاصیت عام الشمول ملی را دار میباشند، به دورنگی و تفریق مواجه گردید.



عکس از گوگل

حال که اوضاع مملکت چنان ویران و امکانات قانونیت در مورد حمایه از زنان افغان روز بروز وخیم گردیده و صرف بروی کاغذ رقم خورده است، برای نجات نصفی از نفوس مملکت راه دیگری به جز از مجادله و مبارزه ملی برای احقاق حق پامال گشته آن بینوایان، راه دیگری سراغ نمیگردد. در این مبارزه صرف همان هموطنانی میتوانند حصه بگیرند که از ترحم والای بشری در مجموع و دلسوزی در قسمت کتله محروم و مظلوم انان مملکت بصورت خاص به اساس پرنسیپ های حقوق بشر، متاثر و پریشان اند. احوال زن افغان و حقوق قانونی و بشری وی باید بصورت منظم توسط مطبوعات و پخش مواد مندرجه قانون اساسی، اعلامیه های حقوق بشر و غیره امتیازاتی که مرد سالاری مانع میگردند تا زنان به آن حقوق خود برسند، بصورت گسترده صورت بگیرد. همانطوریکه در ویدیوی صفحه تحلیلات مشاهده میگردد، حالات گوناگون و مظلومی که سبب خشونت های گسترده بر زنان و دختران جوان افغان میشود، باید توسط قطعه نامه ها، بیانیه ها، نوشتن مضامین و پخش زنده اوضاع رقت بار زنان از طریق انترنت، تلوزیون و غیره وسایل ارتباط جمعی به دسترس همه هموطنان قرار گیرد.

امسال دیده میشود که در اعلامیه های روز زن دو موسسه، یکی جامعه مدنی و حقوق بشر و دیگری بنام شبکه زنان افغانستان در يك قطعه نامه مشترك دولت را باز هم متوجه حال زار زنان و پامال حقوق آنها نموده و مواد چندی را در زمینه «پیشنهاد» مینمایند که در مجموع هر سه قوای دولت را مخاطب قرار داده و درپهلوی پیشنهادات مختلفه، یکی آن درخواست جدی تعمیل مواد قانون «منع خشونت بر زنان» است و دیگری هم همانا اعلامیه خانم «ناوی پیلی» کمشنر عالی ملل متحد در امور حقوق بشر میباشد که نامبرده امسال به مناسبت روز جهانی زن، از تمام دول جهان تقاضا نموده است که در جوامع خود ها از تبعیض و تفریق در قسمت زنان دست کشیده و از حقوق آنان حمایت جدی نمایند. این دو ماده بذات خود میتوانند در مبارزه برای تعمیل و مراعات حقوق مشروع زنان افغانستان به حکم قانون، دست آویزی برای امکانات عملی داد خواهی و عدالت برای آنها در جامعه ویران مرد سالاری افغانی گردد.